

درس ششم

غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و علل آن

اهداف:

۱. آشنائی با غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲. آشنائی با حکمت‌ها و علل غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۳. آشنائی با دوره‌های مختلف غیبت

فوائد:

۱. شناخت برخی دلایل محرومیت از حضور ظاهری امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۲. انگیزه برای تلاش جهت زمینه سازی ظهور حضرت ۳. آشنائی با دوره‌های غیبت حضرت

مطالب آموزشی:

۱. مفهوم شناسی غیبت
۲. پیشینه غیبت
۳. علل غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - تأدیب مردم
 - امتحان و آزمایش
 - حفظ جان امام
 - سری از اسرار الهی
۳. دوره‌های کوتاه مدت و بلند مدت غیبت

غیبت

پس از اینکه با شخصیت منجی بزرگ عالم و تحقّق بخش آرمان آدم (علیه السلام) تا خاتم (صلی الله علیه و آله وسلم) و آخرین ذخیره الهی حضرت حجة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آشنا شدیم، اکنون درباره غیبت آن یگانه دوران که بخش مهمی از زندگی آن حضرت است سخن می‌گوییم.

مفهوم غیبت

اولین نکته قابل طرح آن است که غیبت به معنی «پوشیده بودن از دیدگان» است نه حاضر نبودن. بنابراین در این بخش، سخن از دوره‌ای است که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از چشمان مردمان غایب است و آنها او را نمی‌بینند و این در حالی است که آن بزرگوار در بین مردم حضور دارد و در کنار ایشان زندگی می‌کند. این حقیقت در روایات امامان معصوم به عبارات گوناگون بیان گردیده است.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«سوگند به خدای علی، حجّت خدا در میان مردم هست و در راهها (کوچه و بازار) گام برمی‌دارد؛ به خانه‌های آنها سر می‌زند؛ در شرق و غرب زمین رفت و آمد می‌کند؛ گفتار مردم را می‌شنود و برایشان سلام می‌کند؛ می‌بیند و دیده نمی‌شود تا وقت [معین] و وعده [الهی]»^۱

البته نوع دیگری از غیبت نیز برای آن حضرت بیان شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«در صاحب این امر سنت‌هایی از انبیاء وجود دارد... اما سنت او از یوسف (علیه السلام)، پنهان بودن است. خداوند بین او و مردم حاجبی قرار می‌دهد [به گونه ای که] مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند»^۲

بنابراین درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) غیبت به دو گونه روی می‌دهد: آن بزرگوار در مواردی از دیدگان پنهان است و در مواردی دیگر دیده می‌شود ولی شناخته نمی‌گردد اما در هر حال در میان مردم حضور دارد.

پیشینه غیبت

غیبت و نهان زیستی، پدیده‌ای نیست که برای اولین بار و تنها درباره آخرین حجّت پروردگار روی داده باشد بلکه از روایات فراوان استفاده می‌شود که تعدادی از پیامبران بزرگ الهی، بخشی از زندگی خود را در پنهانی و غیبت بوده‌اند و این امر به جهت حکمت و مصلحت خدایی بوده و نه یک خواسته شخصی و یا مصلحت خانوادگی. بنابراین غیبت یکی از سنت‌های^۳ الهی است که در زندگی پیامبرانی همچون ادريس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، الیاس، سلیمان، دانیال و عیسی (علیهم السلام) جریان یافته است و هر یک از آن سفیران الهی

به تناسب شرایط سالهایی را در غیبت بسر برده‌اند.^۴

به همین دلیل است که در روایات از غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان یکی از سنت‌های پیامبران یاد شده است و یکی از دلایل غیبت آن حضرت، اجرا شدن سنت انبیاء (علیهم السلام) در زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شمرده شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«به راستی که برای [امام] قائم از ما غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود. راوی گوید: دلیل این غیبت چیست ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)؟»

حضرت می‌فرماید:

«خداوند می‌خواهد سنت‌های انبیاء در غیبت هایشان درباره آن حضرت روی دهد.»^۵

از سخن فوق این نکته نیز آشکار می‌شود که سخن از غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سال‌ها پیش از ولادت آن بزرگوار، مطرح بوده است و پیشوایان اسلامی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) تا امام عسکری (علیه السلام) از غیبت آن حضرت و بعضی از خصوصیات آن و آنچه در زمان غیبت اتفاق خواهد افتاد، خبر داده‌اند و نیز وظایفی را برای مردم مؤمن در آن زمان بیان داشته‌اند.^۶

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده‌اند:

«مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرزندان من است... برای او غیبتی است و حیرتی [پیشانی] تا آنگاه که مردمان از دین‌های خود گمراه شوند پس در آن زمان می‌آید مانند شهاب ثاقب [ستاره‌ای روشن و تابان]؛ پس زمین را از عدل و داد پر می‌کند همانگونه که از ظلم و ستم آکنده باشد.»^۷

فلسفه غیبت

به راستی چرا امام و حجت خدا در پس پرده غیبت قرار گرفته است و کدام علت سبب گردید تا مردم از برکات ظهور او محروم گردند؟

درباره این موضوع سخنان فراوانی گفته شده و روایات فراوانی نیز در دست است ولی پیش از پاسخ گفتن به سؤال فوق لازم است به نکته‌ای اساسی اشاره کنیم:

ما ایمان داریم که خداوند عالم هیچ کار کوچک و بزرگی را جز بر اساس حکمت و مصلحت انجام نمی‌دهد خواه این مصلحت‌ها را بشناسیم یا خیر. و نیز همه رویدادهای خرد و کلان جهان با تدبیر پروردگار و به اراده او انجام می‌پذیرد که یکی از مهمترین آنها، حادثه غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. بنابراین غیبت آن سرور نیز مطابق حکمت و مصلحت است اگرچه ما فلسفه آن را ندانیم.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«بی تردید برای صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) غیبتی است که هر اهل باطلی در آن به شک می‌افتد.»

راوی از علت غیبت سؤال کرد. حضرت فرمود:

«غیبت به سبب امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم... غیبت، سرّی از اسرار الهی است ولی چون می‌دانیم که خداوند بزرگ حکیم است می‌پذیریم که همه کارهای او [براساس] حکمت است و اگرچه علت

آن کارها برای ما معلوم نباشد.^۸

البته چه بسا انسانی که همه افعال خداوند را حکیمانه می‌داند و در برابر آنها سر تسلیم فرود می‌آورد، به دنبال دانستن راز و رمز بعضی از رویدادهای عالم باشد تا به سبب علم به فلسفه یک پدیده، آرامش نفس و اطمینان قلبی بیشتری یابد. بنابراین به بحث و بررسی پیرامون حکمت‌ها و آثار غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌پردازیم و به روایات مربوط به آن اشاره می‌کنیم:

تأدیب مردم

وقتی امت نسبت به پیامبر و امام قدر نشناسند و وظایف خود را در برابر او انجام ندهند بلکه اوامر او را نافرمانی کنند، رواست که خداوند، پیشوای ایشان را از آنها جدا کند تا به خود آیند و در روزگار غیبت او، ارزش و برکت وجود او را دریابند و در این صورت، غیبت امام به مصلحت امت است گرچه آنها ندانند و درک نکنند. امام باقر (علیه السلام) فرمود:

«وقتی خداوند همراهی و همنشینی ما را برای قومی خوش ندارد ما را از میان آنها برگیرد.»^۹

استقلال و نبودن پیمان دیگران

آنها که به دنبال ایجاد یک تحوّل و انقلاب هستند به ناچار در ابتدای قیام با بعضی از مخالفان، عهد و پیمانی می‌بندند تا بتوانند اهداف خود را دنبال کنند، ولی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن مصلح بزرگی است که در راه برپایی انقلاب و حکومت عدل جهانی با هیچ قدرت ستمگری سازش نخواهد کرد زیرا که مطابق روایات فراوان او مأمور به مبارزه قاطع و آشکار با همه ظالمان است. به همین جهت تا آماده شدن شرایط انقلاب، در غیبت می‌رود تا مجبور نباشد که با دشمنان خدا عهد و پیمانی ببندد.

در روایتی از امام رضا (علیه السلام) علت غیبت اینگونه بیان گردیده است:

«برای اینکه آن زمان که با شمشیر قیام می‌کند، کسی بر عهده او [امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)] بیعتی نداشته باشد.»^{۱۰}

آزمایش مردم

امتحان کردن مردم یکی از سنت‌های خداوند است. او بندگان خود را به اسباب گوناگون می‌آزماید تا میزان استواریشان در مسیر حق روشن شود. البته نتیجه امتحان برای خداوند معلوم است ولی در کوره آزمایشها این بندگان هستند که ساخته می‌شوند و به جوهر وجود خود پی می‌برند.

امام کاظم (علیه السلام) فرمود:

«هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید تا کسی شما را از آن بیرون نکند برای صاحب این امر (= امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) غیبتی خواهد بود که گروهی از پیروان او از اعتقاد خود دست بر می‌دارند و این غیبت، آزمونی است که خداوند با آن بندگان را امتحان می‌کند.»^{۱۱}

حفظ جان امام

یکی از عواملی که سبب کناره‌گیری پیامبران از قوم خود می‌شد، حفظ جان خویش بود. آنها برای اینکه بتوانند در فرصتی دیگر رسالت خود را به انجام رسانند در شرایطی که مورد تهدید قرار می‌گرفتند مخفی می‌شدند

همانگونه که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه بیرون رفت و در غار پنهان شد. البته همه اینها به دستور و اراده خداوند است.

درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و علت غیبت او نیز در روایات متعدد چنین امری بیان شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«امام منتظر، پیش از قیام خود، مدتی از چشم‌ها غایب خواهد شد. از علت آن سؤال شد. حضرت فرمود: بر جان خویش بیمناک است.»^{۱۲}

هر چند شهادت آرزوی مردان خداست ولی شهادتی مطلوب است که در میدان انجام وظیفه الهی و به صلاح جامعه و دین خدا باشد. اما آنگاه که کشته شدن فرد به معنی به هدر رفتن و از دست رفتن اهداف باشد، ترس از قتل، امری عقلی و پسندیده است. کشته شدن امام دوازدهم که آخرین ذخیره الهی است به معنی فرو ریختن کعبه آمال و آرزوی تمام انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) و تحقق نیافتن وعده پروردگار در تشکیل حکومت عدل جهانی است. گفتنی است که در روایات نکته‌های دیگری نیز درباره علت غیبت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان گردیده است که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود ولی آنچه مهم است اینکه همانگونه که پیش از این گذشت؛ «غیبت»، سرّی از اسرار الهی است و علت اصلی و اساسی آن پس از ظهور آشکار خواهد شد و آنچه بیان شد عواملی است که در غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأثیر گذار بوده است.

انواع غیبت

با توجه به مطالب گذشته، غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امری لازم و ضروری بود ولی از آنجا که همه حرکت‌ها و اقدام‌های پیشوایان بزرگ ما، در راستای تقویت پایه‌های ایمان و اعتقاد مردم بود و بیم آن بود که غیبت آخرین حجّت الهی، آسیب‌های جدّی و غیر قابل جبران به دیانت مسلمین وارد آورد، دوران غیبت با روندی حساب شده و برنامه ریزی دقیق آغاز گردیده و ادامه پیدا کرد.

سال‌ها پیش از ولادت امام دوازدهم، سخن از غیبت آن بزرگوار و ضرورت آن بر سر زبان‌ها افتاد و نقل محافل ائمه معصومین (علیهم السلام) و اصحاب ایشان شد. همچنین روش ارتباط امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) با شیعیان در قالبی جدید و به شکل محدودتری انجام گرفت و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) رفته رفته آموختند که در بسیاری از نیازهای مادی و معنوی، مجبور به شرفیابی به محضر امام حاضر نیستند بلکه می‌توانند با مراجعه به کسانی که از سوی امامان به عنوان وکیل و فرد مورد اعتماد معرفی شده‌اند، به وظایف خود عمل کنند. با شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) و آغاز دوره غیبت حضرت حجه بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باز هم رابطه امام و امت به کلی قطع نشد بلکه مردم به وسیله نائبان خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با مولا و مقتدای خویش در ارتباط بودند و در همین دوره بود که شیعیان به رفت و آمد و ارتباط گسترده‌تر با عالمان دینی، خو گرفتند و دانستند که در شرایط غیبت امام نیز راه شناخت وظایف دینی به روی آن‌ها بسته نیست. در این بستر مناسب بود که غیبت طولانی حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اتفاق افتاد و ارتباطی که بین امام و شیعیان در زمان‌های گذشته معمول و رایج بود، قطع گردید.

اینک درباره ویژگی‌های دو دوره کوتاه و بلند غیبت، مطالبی را خواهیم آورد.

غیبت کوتاه مدّت

با شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) در سال ۲۶۰ هجری قمری، دوران امامت امام دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آغاز شد و از همین زمان، غیبت کوتاه مدّت آن گرامی که به «غیبت صغری» معروف است شروع شد و تا سال ۳۲۹ هجری قمری - نزدیک به ۷۰ سال - ادامه یافت.

مهم ترین ویژگی دوره غیبت صغری آن است که مردم از طریق نایبان خاصّ با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ارتباط بودند و به وسیله آنها پیام‌های آن حضرت را دریافت می کردند و پاسخ سؤالات خود را می گرفتند.^{۱۳} گاهی نیز به واسطه نائبان امام، توفیق شرفیابی به حضور امام خویش را می یافتند.

نائبان خاصّ امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که همگی از علما و بزرگان شیعه و برگزیدگان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بودند، چهار تن هستند که به ترتیب زمان نیابت خود عبارتند از:

۱. عثمان بن سعید عمّری؛ وی از آغاز غیبت امام، عهده دار نیابت آن حضرت شد و در سال ۲۶۷ هجری قمری در گذشت. او وکیل امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) نیز بوده است.

۲. محمد بن عثمان عمّری؛ او فرزند نایب اوّل است که پس از درگذشت پدر به مقام نیابت رسید و در سال ۳۰۵ هجری قمری وفات کرد.

۳. حسین بن روح نوبختی؛ او پس از ۲۱ سال نیابت، در سال ۳۲۶ هجری قمری بدرود حیات گفت.

۴. علی بن محمد سمّری؛ وی در سال ۳۲۹ هجری قمری از دنیا رفت و با مرگ او دوران غیبت صغری پایان گرفت.

نائبان خاص همگی توسط امام عسکری (علیه السلام) و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتخاب گردیده و به مردم معرفی می شدند. شیخ طوسی رحمته الله در کتاب الغیبه خود روایت کرده است که روزی چهل نفر از شیعیان به همراه عثمان بن سعید (نایب اول) به حضور امام عسکری (علیه السلام) رسیدند. امام (علیه السلام)، فرزند خود را به آنها نشان داد و فرمود:

پس از من، این (کودک) امام شماست. از او اطاعت کنید... بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید تا عمر او به کمال برسد. پس (در غیبت او) آنچه عثمان [بن سعید] می گوید بپذیرید و از او فرمان برید که او جانشین امام شماست و کارها به دست اوست.^{۱۴}

در روایتی دیگر امام عسکری (علیه السلام) به نیابت محمد بن عثمان (نایب دوم) از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز تصریح فرموده است.

شیخ طوسی می نویسد:

«عثمان بن سعید» به دستور حضرت عسکری (علیه السلام)، اموالی را که جمعی از شیعیان یمن آورده بودند، تحویل گرفت. گروهی که شاهد ماجرا بودند به امام گفتند، به خدا قسم عثمان از بهترین شیعیان شماست ولی با این کار، جایگاه او نزد شما، برای ما روشن تر شد.

امام عسکری (علیه السلام) فرمود: بله، گواه باشید که عثمان بن سعید عمّری وکیل من است و پسرش «محمد» نیز وکیل پسر «مهدی» خواهد بود.^{۱۵}

اینها مربوط به دوران قبل از غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود و در طول غیبت صغری نیز هر

یک از نائبان، پیش از مرگ خود، نائب بعدی را که از سوی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتخاب شده بود به مردم معرفی می کردند.

این مردان بزرگ به سبب برخورداری از صفات و ویژگی هایی، برای نیابت خاص ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شایستگی یافتند. امانتداری، پاکدامنی، عدالت در گفتار و رفتار، راز داری و پنهان کاری و پوشاندن اسرار اهل بیت (علیهم السلام) در شرایط ویژه دوره امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خصوصیات مهم آنها بود. ایشان مورد اعتماد و اطمینان امام (علیه السلام) و پرورش یافتگان مکتب خاندان پاک پیامبر بودند. بعضی از آنان از سن یازده سالگی تحت تربیت امامان (علیهم السلام) قرار گرفتند و علم را در کنار ایمانی قوی در وجود خویش به کمال رسانیدند. نام نیک آنها بر سر زبانها بود و صبر و بردباری و تحمل مشکلات و مقاومت در برابر سختی ها چنان با وجودشان عجین شده بود که در سخت ترین شرایط نیز از امام خود اطاعت کامل داشتند و در کنار همه این صفات زیبا، از توان مدیریت و رهبری شیعیان برخوردار بودند و با فهم و آگاهی کامل و درک حساسیت زمان و بهره گیری از امکانات موجود، جامعه شیعه را در صراط مستقیم الهی هدایت کردند و آنان را از گذرگاه غیبت صغری به سلامت عبور دادند.

مطالعه دقیق دوره غیبت صغری و نقش مهم نواب اربعه در ایجاد ارتباط بین امت و امام به خوبی اهمیت این دوره از حیات امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نشان می دهد. وجود این ارتباطها و نیز راه یافتن برخی از شیعیان به محضر امام خویش در طول دوران غیبت صغری تأثیر فراوانی در اثبات ولادت امام دوازدهم و آخرین حجت پروردگار داشت و این دستاورد مهم درست در زمانی بود که دشمنان می کوشیدند تا شیعیان را نسبت به تولد فرزندی برای امام عسکری (علیه السلام) دچار شک و تردید نمایند. به علاوه این دوره، زمینه و بستر مناسبی برای شروع غیبت کبری بود که در آن دوران مردم از داشتن هر گونه ارتباط با امام خود توسط افرادی معین، محروم می شدند ولی با آرامش خاطر و اطمینان به وجود و حضور امام و بهره مندی از برکات او، به روزگار غیبت کامل حضرت، پا نهادند.

غیبت بلند مدت

در آخرین روزهای عمر نائب چهارم در نامه ای از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خطاب به او چنین آمده بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم ای علی بن محمد سمری، خداوند در مصیبت وفات تو، به برادران دینی ات، پاداش بزرگ کرامت فرماید؛ چرا که تو تا شش روز دیگر به سرای باقی خواهی رفت. از این رو به کارهایت رسیدگی کن و درباره جانشین پس از خود به کسی وصیت مکن! زیرا که دوره غیبت کامل [و طولانی] فرا رسیده است و از این پس ظهوری [برای من] نخواهد بود مگر پس از فرمان الهی و آن پس از گذشت مدتی دراز خواهد بود که دلها را سختی و قساوت فراگیرد و زمین از ظلم و ستم پر گردد...»^{۱۶}

بنابراین با وفات آخرین نائب خاص امام دوازدهم در سال ۳۲۹ هجری قمری، دوره غیبت طولانی که به «غیبت کبری» معروف است، آغاز شد و این دوران همچنان ادامه دارد تا روزی که به خواست خداوند ابرهای غیبت، کنار رود و جهان از پرتو مستقیم خورشید فروزان ولایت، بهره مند گردد.

همانگونه که گذشت در دوره غیبت صغری، شیعیان به وسیله نائبان خاص با امام خود رابطه داشتند و با تکالیف

الهی خود آشنا می‌شدند ولی در دوران غیبت کبری این نوع ارتباط قطع گردیده و مردم مؤمن برای شناخت وظایف دینی خود تنها به نائبان عام آن حضرت که همان عالمان دینی وارسته و مراجع بزرگ تقلید هستند مراجعه می‌کنند و این جریان، مسیر روشنی است که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود در نامه‌ای به یکی از چهره‌های مورد اعتماد شیعه، ترسیم فرمود. در فرازی از این نامه که توسط دومین نائب خاص امام ابلاغ شد چنین آمده است:

«وَأَمَّا الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ...»^{۱۷} و اما در مورد رویدادهایی که [در آینده] رخ خواهد داد [و برای شناخت وظیفه الهی خود در شرایط گوناگون] به راویان حدیث ما [= فقها] رجوع کنید. زیرا آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان هستم...»

این راهکار جدید برای پاسخ‌گویی به پرسشهای دینی و مهم‌تر از آن شناخت وظیفه فردی و اجتماعی شیعیان در دوره غیبت کامل امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گویای این واقعیت است که نظام مترقی امامت و رهبری در فرهنگ شیعه، نظامی پویا و زنده است که در شرایط مختلف، امر هدایت و رهبری مردم را به استوارترین روش، انجام داده است و در هیچ دوره‌ای پیروان مکتب را بدون یک سرچشمه هدایتگر رها نکرده است بلکه سررشته امور آنها را در زوایای مختلف زندگی فردی و جمعی به دست با کفایت عالمان دین شناس و پرهیزگار که امانتدار دین و دنیای مردم هستند، سپرده است تا کشتی جامعه اسلامی را در دریای پر تلاطم و طوفانی جهان و سیاست‌های سیاست‌بازان استعمار از افتادن در گرداب حوادث حفظ کرده و مرزهای اعتقادی شیعیان را پاسداری کنند.

امام هادی (علیه السلام) در بیان نقش علمای دینی در زمان غیبت فرمود:

«اگر نبودند علمایی که پس از غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مردم را به سوی آن حضرت بخوانند و آنها را به سوی امامشان هدایت کنند و با حجت‌ها و دلیل‌های محکم الهی از دین او [که دین خداست] حمایت کنند و اگر نبودند آن عالمان هوشیار که بندگان خدا را از دام‌های شیطان و شیطان صفتان و از [دشمنی‌های] دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) نجات می‌دهند، هیچ کس نمی‌ماند مگر اینکه از دین خدا بیرون می‌رفت!! ولی ایشان هستند که سررشته دل‌ها [و افکار و عقاید] شیعیان را با استواری در دست دارند آنچنان که کشتی بان، سگان کشتی را به دست می‌گیرد. آن عالمان، برترین [بندگان] نزد خداوند متعال هستند.»^{۱۸}

نکته‌ای که قابل توجه است شرایط و خصوصیتی است که رهبری جامعه باید دارا باشد. زیرا که سپردن اختیار امور مردم در دین و دنیا به فرد یا افرادی که عهده دار این مسئولیت بزرگ می‌شوند باید همراه با دقت نظر و تشخیص صحیح و دقیق باشد. به همین جهت پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، ویژگیهای فوق العاده‌ای را برای مرجع دینی و بالاتر از آن، مقام ولایت امر مسلمین که به «ولی فقیه» معروف است، بیان کرده‌اند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«از میان فقها و عالمان دین آنکس که [در برابر هر گناه کوچک یا بزرگ] خود نگهدار بوده و نگهبان دین و آیین [و اعتقادات خود و مردم] باشد و با خواسته‌ها و تمایلات شخصی خود مخالفت کرده و از دستورات مولا [و امام عصر] خود اطاعت کند، بر مردم است که از او پیروی کنند. و بعضی از فقهای شیعه چنین هستند نه همه آنان.»^{۱۹}

خلاصه درس

- غیبت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) به معنای حاضر نبودن نیست بلکه به معنای پوشیده بودن از نگاه و توجه دیگران است
- غیبت و پنهان زیستی اختصاص به امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ندارد بلکه تعدادی از پیامبران گذشته نیز دارای غیبت بوده‌اند.
- عواملی مثل: حفظ جان حضرت، آزمایش مردم، تادیب مردم، عدم بیعت و... در روایات از جمله دلائل غیبت حضرت ذکر شده است.
- امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارای دو نوع غیبت است. الف) غیبت صغرا از سال ۲۶۰هـ تا ۳۲۹هـ ب) غیبت کبری از سال ۳۲۹هـ تا زمان ظهور
- بر اساس توصیه امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان غیبت کبری، فقهاء جامع شرایط، زمام امور دینی جامعه را بر عهده دارند

پرسش‌های درس

۱. مفهوم و پیشینه غیبت را توضیح دهید؟
۲. سه عامل از عوامل غیبت امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را با استناد به روایات شرح دهید؟
۳. محمد بن عثمان عمری نایب و وکیل خاص چند امام(علیه السلام) بود و چند سال این مقام را بر عهده داشت؟
۴. امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) مرجعیت دینی فقها در زمان غیبت کبری را چگونه تبیین فرموده است؟
۵. امام هادی(علیه السلام) اهمیت و نقش علمای شیعه در حراست از ایمان مردم در دوران غیبت را به چه چیز تشبیه کرده است؟

سوالات پژوهشی

۱. علت تحقق غیبت در مورد امام مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) و عدم تحقق آن در سایر ائمه(علیهم السلام) با توجه به وجود خطر برای تمام ائمه(علیهم السلام) را تبیین کنید؟
۲. دیدگاه صحیح در مورد نحوه غیبت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بیان نمایید؟
۳. نواب اربعه امام دوازدهم(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را معرفی نمایید؟

معرفی منابع جهت مطالعه و پژوهش

۱. الغیبة - شیخ طوسی
۲. الغیبة - نعمانی
۳. خورشید مغرب - محمدرضا حکیمی
۴. تاریخ غیبت صفرا - سیدمحمد صدر
۵. امامت و مهدویت - آیت الله صافی گلپایگانی
۶. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم(عجل الله تعالی فرجه الشریف) - جاسم حسین
۷. سیمای آفتاب - حبیب الله طاهری
۸. تاریخ عصر غیبت - پورسیدآقایی و...
۹. سازمان وکالت - محمدرضا جباری

۱. الغيبة نعمانی، باب ۱۰، ح ۳، ص ۱۴۶.
۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۴۶، ص ۲۸.
۳. قرآن کریم در سوره‌های متعددی از جمله غافر، آیه ۵۸؛ فتح، آیه ۲۳ و اسراء، آیه ۷۷ سخن از سنت الهی مطرح کرده است و از مجموع اینها استفاده می‌شود که مقصود از سنت الهی قوانین ثابت و اساسی الهی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی‌دهد. این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد. (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۵، با تلخیص)
۴. کمال الدین، ج ۱، باب اول تا هفتم، ص ۲۵۴ تا ۳۰۰.
۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۳، ص ۹۰.
۶. ک به منتخب الاثر، فصل دوم، باب های ۲۶ تا ۲۹، صص ۳۱۲ تا ۳۴۰.
۷. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ح ۴، ص ۵۳۶.
۸. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱، ص ۲۰۴.
۹. علل الشرایع، ص ۲۴۴، باب ۱۷۹.
۱۰. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۴، ص ۲۳۲.
۱۱. الغيبة طوسی، فصل ۵، ح ۲۸۴، ص ۲۳۷.
۱۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۷، ص ۲۳۳.
۱۳. متن نامه‌ها - که به توقیعات مشهور است - در کتاب های علمای شیعه موجود است (برای نمونه بحارالانوار، ج ۵۳، باب ۳۱، ص ۱۵۰ - ۱۹۷).
۱۴. الغيبة طوسی، فصل ۶، ح ۳۱۹، ص ۳۵۷.
۱۵. همان، فصل ۶، ح ۳۱۷، ص ۳۵۵.
۱۶. الغيبة طوسی، فصل ۶، ح ۳۶۵، ص ۳۹۵.
۱۷. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۵، ح ۳، ص ۲۳۶.
۱۸. احتجاج، ج ۱، ح ۱۱، ص ۱۵.
۱۹. احتجاج، ج ۲، ص ۵۱۱.